



کاربست تحلیل علی لایه‌ای در تبیین رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

سعیده کوزه‌گری^۱، سهیل گودرزی^۲

چکیده:

نگاه به شرق از جمله رویکردهای مطرح در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دست کم طی دو دهه گذشته است. این رویکرد متعاقب تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه تهران و اعمال محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی بر سر راه تعاملات بین‌المللی ایران بیش از پیش در عرصه نظری و سیاستگذاری مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به ناکامی این سیاست در دستیابی به اهداف مورد انتظار طی سال‌های گذشته و نیز با نگاهی دقیق‌تر به جایگاه آن در سیاست خارجی ایران، می‌توان سویه‌هایی از ایدئولوژی، گفتمان و سازه‌های فرهنگ راهبردی را در کنار عوامل و متغیرهای سیستمی پیش‌گفته در اقبال به این رویکرد مشاهده کرد. بر این مبنای هدف مقاله پیش‌رو ارزیابی این سیاست با استفاده از رهیافت تحلیل علی لایه‌ای در چهار سطح عینیت، سیستم، گفتمان و جهان بینی و نهایتاً اسطوره‌ها و استعاره‌های سیاسی و هویتی ایرانی با هدف فهم دقیق بنیان‌های سیاست نگاه به شرق است. درک مؤلفه‌های اساسی مؤثر بر پی‌ریزی و تعقیب این سیاست طی دهه‌های گذشته ارائه تصویری دقیق و روشن از آن را فراهم کرده و از این رهگذر می‌تواند به ارزیابی آن یاری رساند. بررسی‌ها نشان‌دهنده فاصله میان نقطه ایده‌آل جمهوری اسلامی ایران از پیگیری سیاست نگاه به شرق با وضعیت موجود است. از نقطه نظر آینده‌نگری راهبردی، این امر ریشه در پایین‌ترین سطوح یعنی «لایه‌های جهان‌بینی و استعاره‌ها و اسطوره‌ها» دارد. به این معنا که وجود منابعی برای تمایز و عدم اشتراک در این لایه‌ها در کنار فقدان دستیابی به فهم مشترک پیرامون



۱- دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، (نویسنده مسئول) s.kouzehgari@modares.ac.ir 0000-0002-2348-3426

۲- دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، soheil.goodarzi@modares.ac.ir 0009-0004-4758-0601

مسائل، چالش‌ها و فرصت‌ها و به‌ویژه ضعف در بسترسازی هویتی و فرهنگی مشترک موجب شده تا نگاه به شرق بیش از آن‌که یک راهبرد مستقل در ساحت سیاست خارجی ایران باشد، از واکنش نسبت به فشارهای سیستمی و همچنین تلاش در جهت پیشبرد دستورکارهای مشخص در زمینه روابط خارجی فراتر نرود.

کلید واژه‌ها: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نگاه به شرق، تحلیل علی لایه‌ای، آینده‌نگری.

The application of layered causal analysis to explain the looking to east approach in the Iran's foreign policy

Saeedeh Kouzehgari¹, Soheil Goodarzi²

Abstract

“Looking to the East” as an approach in Iran’s foreign policy has been proposed during the last two decades. In parallel with the tightening of international sanctions on Iran and escalation of economic and political restrictions on Iran's international interactions, this approach received more attention in the theoretical and political sphere. The refusal of Europe and America to cooperate in the political, economic and security levels in one hand and expanding Iran's cooperation with countries such as China, Russia and India during recent years in other hand and also the emergence of the East in international economic and strategic affairs are the most important reasons for adopting this approach by Iran. Due to the failure of this policy in achieving its expected goals during the past years and regarding its position in Iran's foreign policy, it is obvious that along with the system factors and variables, features derived from ideology, discourse and strategic culture have played a role in the desirability of this approach. Based on this assumption, this article tries to evaluate the policy using the layered causal analysis approach at the four levels of objectivity, system, discourse and worldview, and finally Iranian political and identity myths

1- Ph.D. of International relations, Tarbiat modares university, Corespondin author:
s.kouzehgari@modares.ac.ir

2- Ph.D. of International relations, Tarbiat modares university: Soheil.goodarzi@modares.ac.ir



and metaphors in order to understand the foundations of the Looking to the East policy. Understanding the basic components affecting the design and pursuit of this policy during the past decades provides an accurate and clear image of it and can help in its evaluation. Surveys show the distance between the ideal point of the Islamic Republic of Iran to pursue the look to the east policy and the current situation. From the strategic foresight viewpoint this is rooted in the lowest levels, the "worldviews and metaphors and myths layers. In this sense, the existence of resources for differentiation and non-sharing these layers, along with the lack of common understanding about issues, challenges and opportunities, and especially the weakness in establishing a common cultural and identity context, has defined the policy as a react to systemic pressures and also trying to advance specific agendas in the field of foreign relations not an independent strategy.

Keywords: Iran's foreign policy, Looking to the east approach, Layered causal analysis, Foresight.



انجمن اوستا و راهبردی بین المللی

۴۶۷

کاربست تحلیل علی لایه
ای در تبیین رویکرد نگاه
به شرق در سیاست خارجی
جمهوری اسلامی ایران

۱. مقدمه

نگاه به شرق دست کم طی سال‌های اخیر یکی از پرتکرارترین گزاره‌های راهبرد پردازان و تصمیم‌گیران ایرانی برای کنشگری در عرصه روابط با کنشگران رسمی بوده است. ممانعت اروپا و آمریکا از همکاری در سطوح سیاسی، اقتصادی و امنیتی از یکسو و بسط همکاری‌های ایران با مجموعه کشورهای نظیر چین، روسیه و هند طی سال‌های گذشته و نهایتاً ظهور شرق در مناسبات اقتصادی و راهبردی بین‌المللی، از مهم‌ترین دلایل اتخاذ این رویکرد از سوی ایران به‌شمار می‌رود. برای تهران، نگاه به شرق در چند ساحت متفاوت مطرح است. شرق حوزه تمدنی و معرفتی ایران است و ایران همواره بخشی از شرق شناخته شده است. از سوی دیگر شرق برای ایران تداعی‌گر رقابت با غرب و مشخصاً قابلیت و ظرفیتی برای طرح و پیشبرد مباحث ضد هژمونیک ایالات متحده است. شرق همچنین به‌عنوان یک شریک راهبردی در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی به‌ویژه حوزه‌های آسیب‌پذیر از تحریم و فشار بوده و در عین حال یک جغرافیا با همه ویژگی‌های امنیتی و راهبردی یک محیط جغرافیایی است. برداشت‌های چندگانه از شرق و عدم اجماع پیرامون ماهیت، نقش و وزن شرق در سیاست خارجی و فراتر از آن در ساحت راهبردی تهران موجب شده تا شرق و نگاه به شرق با وجود اهمیت و توجه فراوان به جایگاه راهبرد مستقل و مؤثر بدل نشود.

به‌طور خلاصه نوسان بین الزامات رفتاری و سوبه‌های هویتی و گفتمانی مانع از تعریف دقیق نگاه به شرق و



در نتیجه مانع از کارکرد آن به‌عنوان یک راهبرد شده است. نگاه به شرق به‌عنوان یک راهبرد در سیاست خارجی، از یکسو تحت تأثیر سازه‌های هویتی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و از سوی دیگر الزامی برای نیل به اهداف ملی در عرصه‌های گوناگون تلقی می‌شود. شناخت دقیق وزن و تأثیر هر یک از مؤلفه‌های یاد شده گامی مؤثر در شناخت و تعریف دقیق گزاره نگاه به شرق و نسبت آن با کلان راهبردها، کلان‌گفتمان‌ها و اهداف ملی جمهوری اسلامی ایران است. در عین حال شناسایی هر یک از ابعاد و مؤلفه‌های اثرگذار بر مفهوم نگاه به شرق به‌معنای شناخت موانع کارکرد حداکثری و مطلوب آن نیز هست.

بر این مبنای به‌نظر می‌رسد بررسی ابعاد نگاه به شرق در چارچوب راهبردهای جمهوری اسلامی ایران نیازمند در پیش گرفتن یک روش شناخت متفاوت است؛ روشی که در عین پرداختن به جزئیات مؤثر در مسئله و موضوع مورد پرسش، تصویری جامع و کلان از مسئله، ابعاد و عناصر تشکیل‌دهنده آن نیز ارائه دهد. تحلیل علی لایه‌ای به‌واسطه نگاه کل‌نگر خود و با در نظر گرفتن عوامل عینی و ذهنی و چگونگی بر ساخت هم‌زمان آنها نگرشی دارای مزیت برای بررسی سیاست نگاه به شرق به‌شمار می‌رود. با توجه به اینکه عمده ادبیات موجود در این حوزه و تحلیل‌ها پیرامون این سیاست به لایه دوم و نگرش سیستمی محدود می‌شوند، این امر، کاربست رویکرد و روشی متناظر با هر چهار لایه به‌طور هم‌زمان را ضرورت می‌بخشد. از سوی دیگر با توجه به اهمیت راهبرد نگاه به شرق به‌عنوان بخشی از کلان راهبرد سیاست خارجی ایران دست کم طی سال‌های اخیر و همچنین ناکامی این سیاست در دستیابی به اهداف مورد انتظار، هدف مقاله پیش رو ارزیابی رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، با استفاده از روش تحلیل علی لایه‌ای است. پرسش اصلی مقاله پیرامون چیستی مؤلفه‌های اساسی و مؤثر در طراحی و پیگیری نگاه به شرق مطرح می‌شود و از این رهگذر می‌توان به پرسش فرعی «چرایی عدم نیل به اهداف مورد انتظار این سیاست طی سال‌های گذشته» اشاره نمود. بر این پایه، فرضیه مقاله آن است که تمرکز بر لایه‌های اول و دوم و تسلط دیدگاه سیستمی در طراحی و پیگیری سیاست نگاه به شرق موجب شده تا اولاً این سیاست به درستی و متناسب با اهداف مورد انتظار طراحی و پیگیری نشود و ثانیاً به شکلی سینوسی عملیاتی شده و نتواند به جایگاه هژمونیک در ساحت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دست یابد. بر این اساس مقاله بعد از بررسی و بازیابی عناصر و اجزای این سیاست در چهار سطح عینیت، سیستم، گفتمان و جهان بینی و نهایتاً اسطوره‌ها و استعاره‌های سیاسی و هویتی ایرانی در تناظر با سیاست نگاه به شرق؛ به ارزیابی رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران می‌پردازد.

۲. پیشینه موضوع

با توجه به اهمیت و تمرکز بخشی از ظرفیت سیاسی و دیپلماتیک ایران طی دست کم دو دهه گذشته بر «نگاه به شرق» در سیاست خارجی ایران، در حوزه دانشگاهی و سیاستگذاری نیز پژوهش‌هایی در این زمینه به انجام رسیده است. وجود نوعی ابهام مفهومی پیرامون مفهوم «شرق» و «نگاه به شرق» نخستین موضوع و مسئله حائز اهمیت در ارزیابی ادبیات موجود در این زمینه است. متکی (Mottaki, 2009) سه دیدگاه کلی پیرامون نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را شناسایی کرده است. نخست، شرق از دیدگاهی ایدئولوژیک به مثابه دگر هویتی در برابر غرب و مشخصاً ایالات متحده و مساعی آن کشور برای حفظ جایگاه هژمونیک در نظام بین‌الملل نگریسته می‌شود. دوم، شرق در جایگاه یک گستره جغرافیایی- هویتی در رقابت با اروپا و آمریکا به عنوان بنیان نظم کنونی روابط بین‌الملل. سازمند (Sazmand, 2019) شرق به عنوان یک حوزه تمدنی با قابلیت‌های اتحاد و ائتلاف و ایجاد همگرایی در راستای ارتقای قدرت و کسب منافع ملی را به این دسته می‌افزاید (۹۵-۹۴). از این دیدگاه که متضمن توسل به راهبرد نیروی سوم در سیاست خارجی نیز هست، شرق می‌تواند در ابعاد و سطوح مختلف جایگزینی برای غرب و یا دست کم نیروی متوازن کننده در تعامل و ارتباط با غرب به شمار آید.

در بررسی ادبیات موجود پیرامون این موضوع پیش از هر چیز به نظر می‌رسد عمده متون به نگارش درآمده در این زمینه نوعاً نگاه به شرق را نه به مثابه یک راهبرد منسجم و مستقل، بلکه به ابتکار عمل‌های دیپلماتیک و ارتباطات سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران با کشورهای آسیایی و مشخصاً چین فرو کاسته و ارتباط با چین را به عنوان گرانیگاه سیاست نگاه به شرق در نظر می‌گیرند (برای نمونه بنگرید به: Arghavni, 2016; Taheri, 2022; Heiran-nia, 2022; Sahakyan, 2021) در یک دسته‌بندی دیگر می‌توان به متونی اشاره کرد که ارتباط با مجموعه کشورهای آسیایی را در قالب کلی نگاه به شرق جای داده اند. این متون نیز بیش از هر عامل دیگری بر تعاملات اقتصادی ایران و کشورهایی همچون چین و روسیه و گاه کشورهای آسیای مرکزی تمرکز کرده و در این میان وزن اصلی را به صادرات انرژی و واردات کالا اختصاص می‌دهند (در این مورد بنگرید به: Shoori, 2021; Ebrahimi et al., 2021; Sayadi & Sanaei, 2019) و نهایتاً بخشی از متونی که سیاست نگاه به شرق را در قالب راهبرد و یا دست کم اصل راهنمای سیاست خارجی در نظر گرفته و به عنوان یک چارچوب برای نگرش به ماهیت و سازوکار روابط خارجی تهران به آن می‌نگرند. (در این زمینه نگاه کنید به: Adami, 2010; Sanaei & Karami, 2021; Shafiee & Sadeghi, 2011; Roushan Chashm et al., 2018; Pahlavi, 2022; Motaki, 2009)

نیم‌نگاهی به پیشینه و ادبیات نگاه به شرق در قالب متون یاد شده و موارد مشابه، گویای تعریفی مشخص از این گزاره در قالب سیاست، راهبرد یا حتی گرایش سیاست خارجی ایران نیستند. چراکه بررسی‌های یاد شده در غالب موارد با تکیه بر علل و پیامدهای اقتصادی روابط ایران و کشورهای یاد شده، ضمن اشاره به گزاره نگاه به شرق، تناقضات موجود میان این برداشت از نگاه به شرق و رفتار کشورهای مذکور در زمینه‌های سیاسی، امنیتی و بین‌المللی در قبال ایران را بی‌پاسخ می‌گذارند. از سوی دیگر پژوهش‌های یاد شده نوعاً نگاه به شرق را در قالب تعاملات سیستمی نگریسته و در کمتر مواردی به بررسی جامع این سیاست به‌ویژه در سطوح گفتمانی و استعاری می‌پردازند. از این منظر نوآوری مقاله پیش رو اولاً در روش‌شناسی و کاربست مدل تحلیل علی‌لایه‌ای برای بررسی این سیاست و ثانیاً در کاربست دیدگاهی کل‌نگر و بحث‌پیرامون ابعاد و جوانب به‌نسبت مغفول در شناخت و ارزیابی آن تعریف می‌شود.

۳. بهره‌روشی؛ تحلیل علی‌لایه‌ای

عنایت‌الله تکنیک تحلیل علی‌لایه‌ای را ماحصل تلفیق سه رویکرد آینده‌پژوهی می‌داند: آینده‌نگاری تجربی که تعمیم روش فهم روابط میان پدیده‌های طبیعی به پدیده‌های اجتماعی، پیش‌بینی، تعمیم و کنترل رویدادهاست. آینده‌نگاری تفسیری که مبین نحوه‌برساخت واقعیت و کسب بینش به‌منظور ایجاد شناخت با در نظر گرفتن توأمان کارگزاری انسانی و ساختارهای مؤثر در ایجاد معرفت است و درنهایت آینده‌نگاری انتقادی که تبارشناسی و شالوده‌شکنی شناخت را مدنظر قرار می‌دهد. در این روایت عوامل عینی و ذهنی و چگونگی برساخت هم‌زمان آنها مورد توجه قرار می‌گیرد. (Inayatullah, 2007) به بیان عنایت‌الله ارائه هر فهمی از آینده معطوف به شناخت دقیق پدیده یا وضعیت مورد بررسی است و این شناخت در گرو فهم افقی و عمودی چهار لایه است: لایه عینی، لایه سیستمی، لایه جهان‌بینی‌ها و گفتمان‌ها و درنهایت لایه اسطوره‌ها و استعاره‌ها. (Talebian & Talebian, 2018, p.3)

لایه نخست که لایه عینی یا لیتانی نامیده می‌شود مستلزم بررسی رویدادها، روندها و موضوعاتی غیرمرتبط به هم و واجد ویژگی عدم استمرار است. لیتانی سطحی‌ترین لایه و مبین برداشت رسمی و عموماً پذیرفته شده از واقعیت است. سطحی که به تحلیل اندکی نیاز داشته و پیش‌فرض‌ها در آن به ندرت مورد پرسش قرار می‌گیرند. تحلیل لایه عینی نوعاً از رهگذر توصیف پدیده‌ها یا روندها صورت می‌گیرد و همین ویژگی موجب می‌شود تا تحلیل لایه عینی با واقعیت‌های اثبات شده و موجود در مورد یک پدیده یا روند در ارتباط باشد.



دومین لایه تحلیلی در این تکنیک تحلیل سیستمی و در بردارنده علت‌های اجتماعی و سیستمیک است. سطح دوم به تحلیل علت‌های اجتماعی اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی اختصاص دارد. در این لایه نقش عوامل سیستمی و مشخصاً دولت برجسته‌تر بوده و بر اساس آنها علت‌های مورد اشاره در سطح لیتانی مورد پرسش قرار می‌گیرند. سطح سوم که لایه گفتمان‌ها و جهان بینی را شامل می‌شود عناصر مشروعیت بخش ساختار را مورد بررسی قرار می‌دهد. کشف ساختارهای عمیق فرهنگی، اجتماعی و زبانی در این لایه صورت گرفته و مفروضات مبتنی بر جهان بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها در این لایه مورد کنکاش قرار می‌گیرند. لایه سوم بر تصویر یا الگوواره کلانی متمرکز است که واقعی بودن یا غیرواقعی بودن پدیده‌ها، رخدادها و روندها را برای ناظر بیرونی تعیین می‌کنند.

و در نهایت لایه چهارم که به فهم اسطوره‌ها و استعاره‌ها اشاره دارد، به عناصری متمرکز است که به‌طور ناخودآگاه شکل‌گیری جهان بینی و گفتمان مسلطی که موجب علت‌های اجتماعی و عینی شده‌اند را تسهیل می‌کنند. این سطح متشکل از داستان‌ها، روایت‌های عمیق، حافظه تاریخی و الگوهاست. بخش اعظم این روایت‌ها، طرحواره‌ها و تصاویر نه در اندیشه بلکه در احساس افراد و جمعیت‌ها قرار داشته و به یک معنا گویای زمینه‌های تمدنی شکل دهنده به گذشته، حال و آینده محسوب می‌شوند (Inayatullah, 2008, pp.4-20).

بخش عمده‌ای از تحلیل‌های موجود در علوم اجتماعی منحصر به لایه دوم و نیز تا حد کمتری به لایه سوم هستند. تکنیک تحلیل علی لایه‌ای تقریباً تمام حوزه‌های معرفت‌شناختی یک موضوع و یا پدیده را پوشش می‌دهد. هیچ لایه و حوزه شناختی نسبت به سایر لایه‌ها اولویت و برتری ندارد؛ بلکه به‌واسطه نگاه توأمان بالا به پایین و از پایین به بالا (از حیث عمودی) و در عین حال بررسی و ادغام گفتمان‌ها، شیوه‌های شناخت و جهان بینی‌ها (از منظر افقی) این تکنیک به یکپارچه‌سازی تحلیل یاری می‌رساند. طبیعی است که لایه اول و دوم ملموس‌تر و لایه‌های سوم و چهارم ناملموس‌تر بوده و به همین واسطه با دشواری بیشتری برای شناخت همراه هستند. (Akbari & Pooresmaeili, 2020, p.126) فرایند شناخت و حل مسئله در روش تحلیل علی لایه‌ای در جدول (۱) به اختصار بیان شده است.

۴. نگاه به شرق از منظر تحلیل علی لایه‌ای

نگاه به شرق اگرچه از دیرباز در ساحت تصمیم‌سازی ایران وجود داشته اما تقریباً از دو دهه پیش تاکنون به ایده‌ای منسجم در باب تنظیم روابط خارجی بدل شده است (Sanaei & Karami, 2021). با این حال، چنان‌که پیشتر اشاره شد با نگاهی گذرا به متون رسمی و آکادمیک پیرامون گزاره «نگاه به شرق»، این



اصطلاح را به مثابه یکی از مبهم‌ترین، پراکنده‌ترین و نامنسجم‌ترین دستور کارهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی طی دهه‌های گذشته به تصویر می‌کشد. بر مبنای همین ابهام است که با قاطعیت نمی‌توان نگاه به شرق را در قالب یک راهبرد، یک سیاست، یک دستور کار و یا یک گزاره کلی برای توصیف روابط سیاسی-اقتصادی و نظامی با شرکای خارجی به کار برد. با این حال و به‌رغم این تنوع دیدگاه در باب این سیاست؛ نگاه به شرق بدو در برابر نگاه به غرب و مشخصاً به‌عنوان بدیلی در برابر دیدگاه معطوف به بسط روابط با اروپا و آمریکا مطرح شده است (Heiran-nia, 2022). تردیدی نیست که رابطه با کشورهای همچون روسیه، هند، چین، مالزی و ... در چارچوب یک سیاست خارجی پویا و مبتنی بر منافع ملی، همواره بخشی از پتانسیل دیپلماسی ایران طی سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی را به خود اختصاص داده است. چنان‌که آغاز ارتباط با چین در دهه ۱۹۷۰، رابطه سیاسی با اتحاد شوروی و تداوم و بهبود آن با روسیه، همکاری‌های دفاعی با کره شمالی و بسط روابط اقتصادی با هند و مالزی نمونه‌هایی از حضور همیشگی شرق در سیاست خارجی ایران محسوب می‌شوند.

جدول (۱): ابزارهای شناخت و حل مسئله در تحلیل علی لایه‌ای

لایه تحلیل	ابزار شناخت مسئله	راهکار	مثال
لیتانی	واقعیت موجود و مشخص پیرامون مسئله	راهکارهای کوتاه مدت و حل مسئله	شرح یک معضل و مسئله در اخبار و رسانه‌ها
سیستمی	عوامل محیطی و سیستمی مؤثر بر مسئله	رهیافت‌های یکپارچه و راهکارهای نظام‌مند	نهادهای سازمان‌ها و اثرات و تصمیمات آنها که به بهبود یا وخامت اوضاع می‌انجامد
گفتمان و جهان بینی	درک چگونگی اثرگذاری جهان بینی بر تجربیات مرتبط با مسئله	دگرگونی آگاهی، تغییر جهان بینی، بازنگری خود و دیگران	جهان بینی اسلامی در برابر جهان بینی سکولار
اسطوره و استعاره	ابعاد عاطفی و ناخودآگاه مسئله	آشکار شدن استعاره و اسطوره و ایجاد فرآیندهایی برای تصور روایت‌های بدیل	روایت‌های اسطوره‌ای، گفتارهای عوام، تمثیل‌ها و کهن‌الگوهای مرتبط با مسئله

با این همه و به‌رغم این حضور و ارتباط پیوسته با آسیا از دهه‌های گذشته تاکنون، بررسی کلی این سیاست و بازتاب آن در متون موجود نشان دهنده آن است که تحلیل نگاه به شرق عمدتاً به صورت محدود و در قالب دستور کار مشخص و موضوع محور مبادلات دوجانبه (Arghavni, 2016, p.24) و یا مسیری برای

کاستن از فشار ساختاری بر ایران (Shafiei & Sadeghi, 2011, p.314) نگریده شده است. این برداشت مضیق از نگاه به شرق نوعاً برآیند تحلیل مبتنی بر علل و عوامل عینی و سیاسی مؤثر بر آن است؛ این در حالی است که فهم نگاه به شرق به عنوان یک دستور کار در ساحت راهبردی جمهوری اسلامی و ارزیابی موفقیت یا عدم موفقیت آن نیازمند رهیافتی عمیق تر از تحلیل‌های مبتنی بر داده‌های عینی و برآمده از تعاملات ملموس است. عملکرد سازه‌های ذهنی و هویتی و همچنین روایت‌ها و گفتمان‌های موجود در پسینه این موضوع بهره‌گیری از رهیافتی جامع‌نگر را ضروری می‌سازد. در این راستاست که تحلیل علی لایه‌ای می‌تواند پاسخگوی نقاط غامض در تحلیل چرایی طرح نگاه به شرق در ساحت سیاست و راهبرد جمهوری اسلامی باشد و در عین حال بینش دقیق‌تری از چرایی عدم موفقیت آن در بدل شدن به کلان راهبرد مدون ایران در حوزه‌های چندگانه به دست دهد.

به عبارت بهتر، تبیین‌های برآمده از منطق سیستمی پیرامون طرح و اجرای سیاست نگاه به شرق از سوی ایران طی دهه‌های گذشته بینش قابل اتکایی در زمینه علل اتخاذ سیاست یاد شده و همچنین ابزاری برای ارزیابی موفقیت یا ناکامی آن به دست نمی‌دهند. تبیین این سیاست از رهگذر واسازی واقعیت موجود (در قالب سیاست نگاه به شرق) به چهار لایه علی چرایی اتخاذ این سیاست را روشن ساخته و افزون بر آن ماهیت و جایگاه آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی را مشخص می‌سازد. بررسی این سیاست در چهار لایه پیش گفته نقاط اتکای تحلیل‌های متعارف و همچنین نقاط مغفول در شناخت و ارزیابی این سیاست را معین می‌کند.

۴-۱. لایه نخست: تحلیل عینی (لیتانی) سیاست نگاه به شرق

نگاه به شرق مبین مجموعه‌ای از تلاش‌ها و اقدامات دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران طی دو دهه گذشته برای بسط ارتباط با کشورهای آسیایی و مشخصاً کشورهایی همانند چین، روسیه و هند بوده است. این رویکرد و سیاست مشخصاً از سال ۲۰۰۶ به بعد به‌طور جدی در دستور کار سیاست خارجی ایران قرار گرفت و هدف اولیه از پیگیری آن جبران بازدهی نامناسب روابط با مجموعه کشورهای غربی بود. رخدادهایی همچون تشدید مناقشه هسته‌ای ایران، انسداد گفتگوهای انتقادی ایران و تروئیکای اروپایی، قرار گرفتن ایران در محور شرارت توسط رئیس‌جمهور ایالات متحده (پس از همکاری ایران و آمریکا در سرنگونی صدام حسین در عراق) و همچنین اعمال تحریم‌های گسترده از سوی آمریکا و اروپا (Mousavian, 2014) علیه تهران نیز موجب شد تا رویکرد جدید ایران توجیه پذیر بوده و دست کم بخشی از کارگزاران سیاسی در ایران در پی جایگزینی کشورهای آسیایی با اروپا و آمریکا شوند.



بازتاب این امر در مجموعه‌ای از اسناد، مواضع و تلاش‌های دیپلماتیک طی سال‌های گذشته قابل مشاهده است. تنها در یک نمونه دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در قالب تبدیل ایران به قطب اقتصادی، فناوری و دانش در منطقه، مستلزم کسب منابع بین‌المللی در کنار استفاده از منابع و امکانات داخلی است. (Adami, 2010, p.107) راهبرد تعامل سازنده به‌عنوان مسیر دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز ارتباط با سه منطقه در جهان را الزامی می‌سازد: آمریکای شمالی، اروپای غربی، شرق و جنوب آسیا. تردیدی نیست که در شرایط فقدان رابطه و تعاملات حداکثری با اروپا و آمریکا (تحت تأثیر تنش‌های سیاسی و تحریم‌های اقتصادی) شرق آسیا یگانه متغیر قابل اتکا در این زمینه محسوب می‌شود.

طی دو دهه گذشته، شرق در مواضع اعلامی سیاستمداران و رهبران تهران نیز واجد جایگاه مشخصی شده است. آیت‌الله علی‌خامنه‌ای رهبر عالی ایران به‌عنوان کلیدی‌ترین شخصیت در تعیین جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور در موارد متعددی به جایگاه شرق در دیپلماسی تهران اشاره کرده است: «عمدتاً نگاه باید طرف شرق باشد؛ نگاه طرف غرب و اروپا و مانند اینها برای ما جز معطل کردن، جز دردسر، جز منت کشیدن و کوچک شدن هیچ اثری ندارد. باید نگاهمان طرف شرق باشد؛ کشورهایی هستند که می‌توانند به ما کمک کنند، می‌توانیم با چهره برابر با آنها مواجه بشویم، ما به آنها کمک کنیم، آنها هم به ما کمک کنند، تبادل علمی با آنها داشته باشیم» (Khamenei, 2018 a) و یا؛ «در سیاست خارجی، ترجیح شرق بر غرب، ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملت‌ها و کشورهایی که با ما وجه مشترکی دارند بر دیگران، یکی از اولویت‌های امروز ما است» (Khamenei, 2018 b). جواد ظریف وزیر امور خارجه پیشین ضمن تشریح سیاست «همکاری با آسیا برای غلبه بر تحریم‌های نفتی و بانکی» مدعی شد که آینده سیاست خارجی ایران در همین مسیر خواهد بود (Pahlavi, 2022). در بعد نظامی و امنیتی نیز شرق رفته رفته واجد مزیت‌های بیشتری شناخته شده است؛ چنان‌که محمد باقری عالی‌ترین مقام نظامی ایران (رئیس ستاد کل نیروهای مسلح) نیز در اظهاراتی مشابه از گرایش به شرق در ایران سخن گفته است: «دولت سیزدهم به ریاست ابراهیم رئیسی، مصمم به توسعه روابط و همکاری‌ها با شرق است و عوامل زیادی به این امر کمک می‌کند» (Iran press, 2021).

فارغ از سند چشم‌انداز و مواضع رسمی، مجموعه توافقات میان ایران و کشورهای آسیایی نیز دیگر عامل مؤثر در این زمینه محسوب می‌شوند. تنها در یک نمونه، رئیسی در طول سال اول ریاست جمهوری خود میزبان ۹ رئیس دولت بوده که از این میان هشت کشور در قاره آسیا واقع شده‌اند. دیدارهای یاد شده در بردانده قراردادهای دوجانبه در زمینه‌های مختلف انرژی، مالی، تجاری و فرهنگی بوده است که روی

هم رفته مبین نگاه اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران به شرق هستند (Isna, 2022). در کنار این موارد، تلاش‌ها برای توسعه راهگذر شمال-جنوب با مشارکت روسیه و هند و تمایل کشورهای همچون آذربایجان و ترکمنستان برای حضور در این پروژه (Azizi, 2018, p.125)، تدوین سند همکاری جامع ۲۵ ساله ایران و چین طی سال‌های گذشته (Bairamlou, 2021, p.74) و نهایتاً عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای در سال ۲۰۲۲ (Irma, 2022) مهم‌ترین نمودهای سیاست نگاه به شرق و جایگاه آن در سامان سیاست خارجی تهران به‌شمار می‌آیند. این موارد در کنار آمارهای مربوط به بازرگانی، همکاری‌های دفاعی و دیپلماتیک نشان‌دهنده آن است که متعاقب افزایش فشارهای غرب و مشخصاً ایالات متحده به اقتصاد و سایر بخش‌های ایران، این کشور در صدد جبران فشارها و آسیب‌های ناشی از تحریم و در این مسیر، کشورهای آسیایی و مشخصاً روسیه و چین بیش از پیش مورد توجه تهران قرار گرفته‌اند. این موارد از یکسو مبین سیاست رسمی و اعلامی جمهوری اسلامی ایران در راستای عمل به دستور کار نگاه به شرق در سیاست خارجی است و از سوی دیگر نمایانگر تلاش برای متوازن و متعادل ساختن فشار غرب علیه خود است.

در بعد اقتصادی و همکاری‌های بازرگانی بررسی شرکای تجاری ایران طی بازه یک دهه‌ای ۱۴۰۰-۱۳۹۰ نشان‌دهنده آن است که آسیا و مشخصاً کشورهای همسوی شرق پنج سکوی اول صادرات و واردات ایران بوده‌اند. طی بازه یاد شده چین و امارات اصلی‌ترین شرکای بازرگانی ایران به شمار آمده و به جز سال ۱۳۹۱، در تمام سال‌های مذکور چین بازار اصلی صادرات ایران بوده است. در بخش واردات نیز چین نخستین شریک تجاری ایران بوده و چهار کشور عراق، افغانستان، ترکیه و امارات متحده عربی دیگر شرکای تهران در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ هستند؛ به گونه‌ای که حدود ۷۵ درصد از ارزش کل صادرات ایران به مقصد کشورهای مذکور اختصاص یافته است (Ta'adol, 2022). مبادلات تجاری ایران با مجموعه کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز مؤید پیگیری نگاه به شرق در بعد بازرگانی است؛ آمار منتشر شده از سوی گمرک جمهوری اسلامی ایران، نشان می‌دهد که حجم مبادلات تجاری ایران با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا در چهار ماهه نخست سال ۱۴۰۱ با ۹۳ درصد افزایش در ارزش، از مرز یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار فراتر رفته است (Azish, 2021).

در بعد بین‌المللی نوع تعامل شرق (به مثابه یک کلیت هویتی) با تهران تابعی از عوامل متعددی بوده و به همین دلیل از فراز و فرود چشمگیری برخوردار است. برای نمونه در موضوع پرونده هسته‌ای چین و روسیه به‌عنوان دو شریک سیاسی عمده تهران در شرق اگرچه در مواردی دستور کارهای بین‌المللی پیرامون این

موضوع را پذیرفته‌اند، اما روند کلی حمایت از موضع ایران در مناقشه هسته‌ای و همچنین ارتباط اقتصادی و دیپلماتیک با تهران در ادوار تحریمی را نیز حفظ کرده‌اند (Jeangtao, 2022). برای مثال، هم چین و هم روسیه در دور جدید مذاکرات رفع تحریم‌ها (احیای برجام در سال ۲۰۲۲)، در قطعنامه‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه جمهوری اسلامی، در قطعنامه حقوق بشری اروپا و موارد مشابه همواره موضع حمایتی از ایران داشته‌اند. در عین حال نمی‌توان منکر شد که مواضع کشورهای یاد شده و نیز سایر کشورهای شرق در بخشی از دستور کارهای سیاست خارجی و دفاعی تهران تداعی‌گر ارتباط راهبردی نیست. برای نمونه حمایت چین از حق حاکمیت عربی بر جزایر سه‌گانه ایرانی، انتقاد از دکترین دفاعی ایران (توسعه تسلیحات موشکی) و نهایتاً انتقاد از حمایت تهران از برخی جنبش‌های منطقه طی سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان سعودی نمودی از این قبض و بسط در مناسبات به‌شمار می‌رود (Nasri, 2022).

۴-۲. لایه دوم: تحلیل سیستمی سیاست نگاه به شرق

چنان‌که گفته شد سیاست نگاه به شرق در مجموعه‌ای از کنش‌ها و مواضع رسمی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران بازتاب داشته است. طبیعتاً بازتاب این سیاست در بخش و حوزه رسمی و عمومی تحت‌تأثیر مجموعه متغیرهای ژرف‌تر در سطح سیستمی قرار دارد. به عبارت دیگر در گام نخست تحلیل می‌توان چنین استنباط کرد که مجموعه علل سیستمی حاضر در تجارب سیاسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طی دهه‌های گذشته روی هم رفته زمینه‌ساز کنش ارادی، رسمی و آشکار ایران در راستای نزدیکی به شرق بوده‌اند.

در تبیین علل سیستمی از چرایی اتخاذ سیاست نگاه به شرق از سوی تهران، وجه سلبی یعنی معضل اعتماد به غرب بیش از هر عامل دیگری واجد نقش و تأثیر بوده است. بر این مبنا شکست چندباره ابتکارهای سیاسی و دیپلماتیک ایران از اواخر دهه ۱۹۸۰ تاکنون به‌عنوان مواردی از نقض تعهد غرب و مشخصاً ایالات متحده در قبال تهران مطرح می‌شوند. شکست ابتکار ضمنی ایران برای بهبود روابط تجاری با غرب در تلافی با تصویب تحریم‌های داماتو در دهه ۱۹۹۰ (Gold, 2009, p.139)، بی‌پاسخ ماندن ابتکار عمل ایران در کمک به آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در بیروت (Picco, 199, p.3)، قرار گرفتن ایران در محور شرارت توسط رئیس‌جمهور آمریکا اندکی پس از همکاری اطلاعاتی و غیرمستقیم ایران با نیروهای ائتلاف در جنگ افغانستان (Leverett and Leverett, 2014, p.116)، خروج آمریکا از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۸ و ناکام ماندن تلاش دیپلماتیک تهران برای حل مناقشه هسته‌ای (Yadegarian, 2019) و بسیاری موارد دیگر، نمونه‌هایی هستند که مسیر تعامل با شرق برای ایران را هموارتر و روشن‌تر می‌سازند.



به عبارت دیگر در نظر گرفتن این تجارب است که راهبرد پردازان ایرانی را به این باور می‌رساند که اجرای سیاست خارجی فعال و تعامل پویا و سازنده با جهان در شرق سرانجام بهتری خواهد یافت؛ به‌ویژه که بررسی تعامل و ارتباط با شرق فقدان تجارب مشابه را تأیید می‌کند.

از سوی دیگر طرح سیاست نگاه به شرق و توصیف آن در مواضع و اسناد رسمی تحت تأثیر عامل دومی نیز هست. ظهور آسیا به‌عنوان یک قطب قدرت و یا دست کم مجموعه‌ای غیر قابل انکار در سیاست بین الملل طی سال‌ها و دهه‌های گذشته (McDougall, 2016, pp.19-20) عامل دیگری است که مطلوبیت شرق برای بسط تعامل در ابعاد و سطوح مختلف را افزایش می‌دهد. ظهور چین به‌عنوان یکی از قطب‌های تأثیرگذار در اقتصاد جهانی، چشم‌انداز رشد سرانه مصرف انرژی این کشورها در آینده (Adami, 2010, p.121) در کنار جذابیت‌های بلوک‌بندی دفاعی-راهبردی کشورهای شرق در قالب پیمان‌هایی نظیر شانگهای و ... باعث شده تا نگاه به شرق از منظر اقتصادی نیز به‌عنوان یک راهبرد بدیل برای توسعه و تأمین نیازهای اقتصادی از محیط بین‌المللی در نظر گرفته شود (Saleh, 2022).

بر این اساس مناسبات اقتصادی موجود میان ایران با سه کشور هند، چین و روسیه گویای آن است که در زمینه اقتصادی سه کشور یاد شده قادر به نقش آفرینی در اقتصاد و بازار ایران هستند. چین به‌عنوان نخستین شریک تجاری ایران و یکی از اصلی‌ترین خریداران نفت ایران طی سال‌های اخیر مطرح بوده است (Ta'adol, 2022). قرار گرفتن چین، هند، روسیه و برخی کشورهای آسیایی مانند ترکیه و امارات متحده عربی در عداد شرکای تجاری و اقتصادی ایران طی سال‌های گذشته و هم‌زمان با اعمال تحریم از سوی ایالات متحده و نهادهای بین‌المللی دلیلی دیگر برای پافشاری ایران بر سیاست نگاه به شرق به‌عنوان یک سیاست قابل اتکا در زمینه تضمین منافع ناشی از همکاری است. به‌ویژه که طی سال‌های اخیر و به‌دنبال همراهی اتحادیه اروپا با ایالات متحده در برخورد با برنامه هسته‌ای ایران راهبرد غرب منهای آمریکا نیز قادر به تأمین منافع ملی ایران در محیط بین‌المللی نیست. تحت چنین شرایطی کشورهای شرقی که در بسیاری بخش‌های بازرگانی و بانکی مستقل از سامان اقتصادی ایالات متحده عمل می‌کنند، جایگزینی مناسب برای شرکت‌ها و موجودیت‌های اقتصادی اروپایی و آمریکایی به‌شمار می‌آیند (Mashreq, 2018).

نهایتاً تحریم‌های ایالات متحده، اتحادیه اروپا و نهادهای بین‌المللی همچون شورای امنیت ملل متحد علیه تهران طی دهه‌های گذشته نیز عاملی دیگر در راستای نزدیکی بیشتر ایران با شرق و یا دست کم میل ایران به تعریف کنشگری خود در این حوزه جغرافیایی است. سامان تحریم‌های ایالات متحده متشکل از دو



دسته تحریم‌های اولیه آمریکا علیه تهران، موجب محرومیت ایران از نظام اقتصادی و بازار ایالات متحده شده و تحریم‌های ثانویه متضمن محرومیت ایران از صنعت و سرمایه سایر کشورهای جهان (مشخصاً اروپا) در صنایع خاص همانند نفت و گاز هستند. وجود این سامانه تحریمی از یکسو و امکان کنشگری مستقل (ولو محدود) موجودیت‌ها و کنشگران اقتصادی کشورهایی مانند چین و روسیه از سوی دیگر، شرق و مشخصاً دو کشور یاد شده را به‌عنوان مسیری برای بی‌اثر کردن تحریم و یا دست‌کم مدیریت تبعات وخیم و حاد ناشی از آن معرفی کرده است. تداوم ارتباط با شرکت‌ها و ساختار اقتصادی دولت چین در خلال تحریم‌های اقتصادی علیه تهران نوعاً به‌واسطه فقدان اثر و حضور این موجودیت‌ها در نظام اقتصادی ایالات متحده کارایی داشته و به‌عنوان یک عامل در زمینه توجیه نگاه به شرق مطرح می‌شوند.

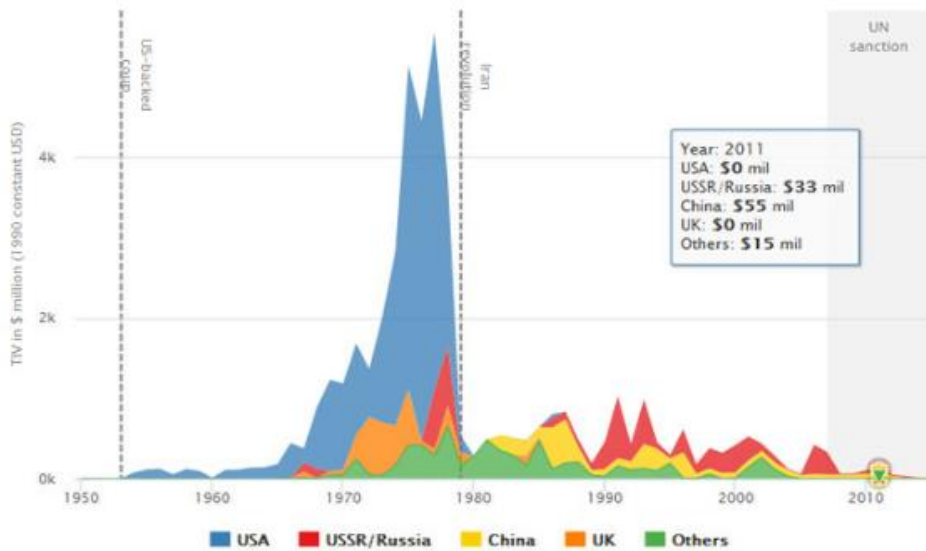
همکاری با شرق و کشورهای آسیایی در قالب مواجهه با تحریم‌های غرب در قالب همکاری‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی صورت پذیرفته است. در بعد نظامی نخستین همکاری‌ها متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و آغاز جنگ ایران و عراق صورت پذیرفت. خرید موشک‌های کرم ابریشم از چین و انعقاد موافقت‌نامه موشکی ۱۹۸۵ بین تهران و پکن نخستین گام‌ها در زمینه جایگزینی تسلیحات از سوی ایران بود (Ghafouri, 2009, p.84). در ادامه نیز گسترش همکاری‌های تسلیحاتی ایران و چین، تهران را در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ به دومین خریدار تسلیحات از چین (پس از پاکستان) بدل ساخت (Shriatinia, 2013, p.191). با پایان جنگ و میل ایران به بازسازی ساختار دفاعی خود شاهد نقش آفرینی اتحاد شوروی در زمینه روابط دفاعی با تهران هستیم. قرارداد ۱۹۸۹ تهران-مسکو و نیز قرارداد همکاری پنج ساله ایران و روسیه در سال ۲۰۰۱ به حضور روسیه در بازار تسلیحاتی ایران انجامید به‌طوری که در فاصله سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۴ تعداد ۲۰۰ تانک T-72، ۱۰ هواپیمای سوخو-۲۴ و ۸ هواپیمای میگ-۲۹ از روسیه خریداری شده است. افزون بر آن تبادل مستشار و متخصصان نظامی بین دو کشور نیز در همه این سال‌ها در جریان بوده است (Mirtorabi and Yardizadeh, 2019, p.26).

افزون بر اینها گزارش‌های غیررسمی و تأیید نشده از همکاری ایران و کره شمالی در زمینه توسعه فناوری ساخت و پرتاب موشک طی دهه‌های گذشته (Izewicz, 2017, pp.1-2) نیز نشانه‌ای دیگر برای نگاه به شرق ایرانی در زمینه تسلیحات و روابط نظامی است. نگاهی به شرکای دفاعی ایران و حجم صادرات اسلحه به این کشور در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۵ گویای جایگاه شرق در همکاری‌های نظامی و تسلیحاتی ایران طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی است.

جدول (۲): صادر کنندگان اسلحه به ایران (۱۹۵۰-۲۰۱۵)

کشور	ایالات متحده	بریتانیا	چین	رویه	ایتالیا	کره شمالی	سایر کشورها
ارزش (میلیون دلار)	۲۴/۹۴۳	۳/۷۴۴	۴/۲۵۹	۶/۷۱۵	۱/۳۴۴	۱/۵۲۷	۳/۶۰۱

(Mirtorabi and Yardizadeh, 2019: 26)



شکل (۱): نمودار حجم خرید تسلیحات از ایران به تفکیک کشور

(SIPRI Arm Transfer Database, 2015 cited in: Mirtorabi and Yardizadeh, 2019)

۴-۳. لایه سوم: گفتمان‌ها و جهان بینی‌های مؤثر بر نگاه به شرق

بررسی علل موجود در سطوح عینی و سیستمی برای توجیه رفتار نگاه به شرق ایران زمینه را برای طرح لایه‌ای مجزا از علت‌ها فراهم می‌کند. بی‌تردید بخشی چشمگیر از رفتار سیاسی و اقتصادی کشورهای آسیایی و ایران دارای دلایل و منطق راهبردی بوده و بنا به مؤلفه‌هایی مانند تحلیل هزینه و فایده، فشار تحریمی، الزامات ناشی از اتحاد و ائتلاف و ... توجیه می‌شود. اما در عین حال وجود این رفتار و کنش و تکینگی آن نسبت به سایر کنشگران و ارتباطات موجود در سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی گویای وجود و عملکرد دسته‌ای متفاوت از علت‌ها در این زمینه است.



بر این اساس می‌توان در قالب سطح سوم علل نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران به نقش گفتمان‌ها و جهان بینی کشورهای آسیایی سخن گفت. گام نخست در این زمینه بررسی فرهنگ و سوبه‌های غالب فرهنگی است که موجب تسهیل ارتباط با شرق شده و بر گسترش آن مؤثر هستند. آسیا به لحاظ فرهنگی در قالب چهار حوزه تمدنی و فرهنگی کلان ایران و اسلام، هند، چین و ژاپن گستره‌ای وسیع از سازه‌های تمدنی و فرهنگی را به نمایش می‌گذارد (Shayegan, 2000, p.183). اما به‌رغم همه تفاوت‌های موجود در سازه‌های فرهنگی و تمدنی موجود میان این چهار حوزه تمدنی می‌توان به مشابهت‌هایی در زمینه جهان‌بینی حاکم بر این جوامع اشاره نمود. معناگرایی و نگرش مبتنی بر معنویت که در قالب مفهوم روشنائی و رستگاری (رهایی) در آئین برهمنی (هند)، عرفان اسلامی (ایران)، تائو و کنفوسیوسم (چین) و در نهایت آموزه‌های شینتو (ژاپن) احتمالاً نخستین عاملی است که در بیان اشتراکات جهان‌بینی ملل آسیایی به چشم می‌خورد (Ibid: ch2).

وجود این باورهای فرهنگی در عرصه زیست جمعی ملل آسیایی و رفتار دولت‌ها نیز جلوه‌گر شده است. بی‌تردید ایران به‌عنوان یکی از کانون‌های اصلی تمدن در آسیا از این قاعده مستثنی نیست و بخش‌های مهمی از گفتمان‌های حاکم بر رفتار سیاسی و سیاست خارجی این کشور در ارتباط با سایر موجودیت‌های بین‌المللی گویای همین اثرپذیری از باورها و الگوهای فرهنگی مشترک با آسیاست. از جمله مهمترین گفتمان‌های مشترک در بین ملل آسیایی عدم تعهد و برکناری و استقلال از رقابت ابرقدرت‌هاست. عدم تعهد که از آموزه‌های تمدنی هند مایه گرفته و بعدها از سوی چین شکوفا شد (Kissinger, 2014)، گزینه ای جذاب برای ایران پس‌انقلابی به‌منظور تعریف هویت خود در نظام بین‌الملل محسوب می‌شود. حضور ایران در این جنبش و تعریف خود به‌عنوان کشوری مستقل و برکنار از اختلافات و درگیری‌ها از یکسو و محبوبیت سیاست موازنه منفی در مقاطع گوناگون تاریخ سیاسی معاصر ایران دقیقاً با زیست جهان‌چینی و هندی در عرصه سیاست بین‌الملل و مشخصاً برداشت‌ها از فلسفه عدم تعهد همخوانی دارد.

نگرش هویتی و هویت برساخته همسو دیگر عامل تعیین‌کننده در زمینه نگرش ایران به شرق است. تعریف نظام اعتماد پایه جمهوری اسلامی ایران بر پایه الزامات هویتی برآمده از انقلاب اسلامی جمهوری اسلامی ایران را با هویت انقلابی همراه ساخته است. این هویت انقلابی در بخشی از کارویژه‌های خود مستلزم انتقاد از نظم مستقر بین‌المللی، سازوکارها، بنیان و حافظان آن است. وجود و عملکرد این هویت انقلابی در فرآیند تعریف دوستی و دشمنی در محیط خارجی و نیز در برخورد با واقعیات عینی محیط بین‌المللی موجب شده تا برخی کشورها همچون چین یا روسیه نیز به‌واسطه پیشینه سیاسی و بین‌المللی خود (چین) و

نیز موقعیت منتقد کنونی خود نسبت به نظم مستقر (روسیه) کشورهای همسو فرض شوند. از سوی دیگر یکجانبه‌گرایی و تلاش ایالات متحده برای شکل‌دهی و هدایت ترتیبات امنیتی مناطق مختلف در قالب وجود دگر هویتی-سیاسی به تمایل برای ایجاد ترتیبات بین‌المللی بدیل از سوی کشورهای یاد شده انجامید. این امر در تلاقی با وضعیت انزوای هویتی تهران در خاورمیانه (Sariolghalam, 2006, p.318)، زمینه‌های میل به هم‌گرایی آسیایی را افزایش داده و از این منظر در تقویت نگاه به شرق مؤثر واقع شد (Hunter, 2010, p.117). در واقع نارضایتی از حضور بیگانگان در محیط پیرامونی در عین حفظ استقلال و تمامیت ارضی نکاتی هستند که با رویکرد سلطه‌ستیز و استقلال طلب برآمده از انقلاب اسلامی هم‌خوانی داشته و عاملی برای تقویت دیدگاه‌های مثبت به شرق به‌شمار می‌آیند. مشخصاً اقبال بیشتر برخی دولت‌ها و دولتمردان ایرانی به سیاست نگاه به شرق که هم‌زمان با بروز حادثه‌ترین و بیشترین تنش‌های سیاسی و اقتصادی با غرب بوده است، تأثیر این جهان بینی ایدئولوژیک بر فرآیند پیش‌گفته را تأیید می‌کند.

ایران هراسی و تا حدودی اسلام‌هراسی به‌عنوان عاملی تأثیرگذار بر کنشگری در فضای سیاست خارجی ایران نیز دیگر عامل مؤثر گفتمانی در زمینه نگرش ایران به شرق است. ایران هراسی عمدتاً محصول نگرش غرب به ایران پساانقلابی بوده و در قالب گزاره‌هایی همچون حمایت از تروریسم، رادیکالیسم دینی، اخلال در روند صلح خاورمیانه، نقض حقوق بشر و ... مطرح می‌شود (Javdani Moghaddam, 2019, p.97). این در حالی است که گزاره‌هایی از این دست به ندرت از سوی شرق و مجموعه کشورهای آسیایی علیه ایران به کار گرفته می‌شوند. همین امر در کنار نزدیکی برداشت کشورهای آسیایی از مقولاتی همچون حقوق بشر و حاکمیت سیاسی با برداشت ایران و اتهام همسان به کشورهای همچون چین در بدو امر موجب می‌شود تا دست کم ارتباط با شرق فارغ از نزاع گفتمانی ممکن و میسر باشد (Keyvan Hosseini, 2013). اما در عین حال نباید فراموش کرد که وجود گفتمان ایران هراسی و تأثیرگذاری آن در فرآیندهای سیاسی و اقتصادی مرتبط با ایران به هر حال در گستره و عمق همکاری برخی کنشگران آسیایی نیز اثرگذار است. به‌ویژه که طی دهه‌های گذشته ایران هراسی با محدودیت‌های ناشی از تحریم علیه ایران نیز همراه بوده و همین امر گفتمان ایران هراسی را واجد تأثیر دوگانه بر تماس ایران و شرق می‌سازد. اما به هر حال تردیدی نیست که فرض ایران به‌مثابه یک موجودیت صرفاً امنیتی و ژئوپلیتیک از سوی ایالات متحده و اروپا (که نوعاً به تلاش مستقیم و غیرمستقیم برای محدودسازی دامنه کنش و قدرت افکنی ایران در مناطق پیرامونی منتهی شده است) در تلاش بیشتر تهران برای نزدیکی به شرق و دیدگاه مساعد رهبران ایران به سیاست نگاه به شرق مؤثر بوده است.

۴-۴. لایه چهارم: اسطوره و استعاره‌های مؤثر بر نگاه به شرق

در زمینه اسطوره‌ها و استعاره‌های موجود و مؤثر بر نگاه به شرق به نظر می‌رسد پیش از هر چیز مفهوم «شرق» به خودی خود نخستین استعاره همسان‌ساز بین ایران و سایر کشورهای آسیایی است. از سال‌های میانی قرن بیستم که با پایان قطعی عصر استعمار و سر برآوردن ایده‌های ملی‌گرایانه در کشورهای آسیایی مقارن شد، شرق به‌مثابه یک هویت مشخص و متمایز مورد توجه قرار گرفت. این امر که تا حدودی تحت تأثیر ادبیات شرق شناسی نیز قرار داشت به شکل‌گیری هویتی مبتنی بر جغرافیا و هم‌پیوند با نظام اخلاقی و هنجاری متمایز از غرب منتهی شد. شرق به مفهوم یک جغرافیای فرهنگی نمودی از حضور و تأثیر تاریخی ایران در آسیاست. حضور هنر ایران در اندونزی، پیوند زبان فارسی با زبان‌هایی همچون هندی و مالایی، پیوند مذهبی با بخش‌هایی از چین و بخش‌هایی از جنوب شرق آسیا (Khanabadi, 2020) نمونه‌هایی از ارتباط ایران با مفهوم شرق به‌مثابه یک عامل هویت ساز هستند.

سیاست و فرآیندهای سیاست به‌عنوان یکی از منابع تعریف هویت دولت‌ها دومین استعاره پیوند ایران و مجموعه کشورهای آسیایی را فراهم می‌آورد: جهان سوم. از دهه ۱۹۵۰ تا به حال بسیاری از کشورهای آسیایی به‌عنوان کشورهای جهان سوم شناخته می‌شوند. چین در طول جنگ سرد با طرح تئوری سه جهان در صدد بهره برداری از توان و ظرفیت سیاسی این کشورها برآمد و در پی کسب رهبری این کشورها بود. الگوی تولید عمدتاً کشاورزی، درآمد سرانه، نظام اقتصادی، شکل دولت، وضعیت جامعه مدنی و ... شاخص‌هایی برای تعریف یک کشور در قالب جهان سوم بوده و هست. فارغ از درستی یا نادرستی گزاره جهان سوم، چند دهه اطلاق این عنوان به کشورهای آسیایی (و از جمله ایران) موجب شده تا در مواجهه با چنین کشورهایی نوعی اعتماد به نفس و میل به تعامل مشاهده شود: «باید نگاهمان طرف شرق باشد؛ کشورهایی هستند که می‌توانند به ما کمک کنند، می‌توانیم با چهره برابر با آنها مواجه بشویم، ما به آنها کمک کنیم، آنها هم به ما کمک کنند...» (Khamenei, 2018 a).

برتری تمدنی و تعریف خود به‌عنوان تمدن برتر دیگر ویژگی مشترک در جوامع آسیایی و به‌ویژه کشورهای دارای تمدن‌های کهن همچون ایران، چین، هند و ژاپن است. سرزمین چین در ادبیات و اسطوره‌های چینی امپراتوری میانه نامیده شده است و امپراتور آن حاکم مطلق بر جهان عنوان یافته است (Kissinger, 2014, p.210). ایران در شاهنامه سرزمین میانی عالم است و پادشاه آن شاهنشاه (شاه شاهان) لقب می‌گیرد. اسطوره‌های ژاپنی این کشور را سرزمین آفتاب می‌دانند که؛ «اله خورشید فرزندان خود را به پادشاهی این کشور گماشت. این امر خاص ماست و نه هیچ قومی دیگر ... به همین دلیل قوم خود را قوم خدایی می‌نامیم» (Shayegan, 2000, p.224).



جاده ابریشم دیگر استعاره نام آشنا در ارتباط ایران و شرق دور است. جاده ابریشم به‌عنوان قدیمی‌ترین مسیر جهانی سازی افکار، ایده‌ها، تولید و تجارت از روزگار باستان تا به امروز در اشکال مختلف، مهم‌ترین نماد و استعاره از رابطه ایران و شرق و به بیان شوبائو فنگ نماد دوستی هزار ساله ایران و چین بوده است (Baofeng, 2021, p.66). امروزه نیز ایران به‌عنوان یکی از کشورهای جاده ابریشم و فراتر از آن یکی از قطب‌های تأثیرگذار در تجارت جاده ابریشم درصدد باز احیای نقش خود در تجارت شرق و غرب است. در سال‌های اخیر تلفیق میراث جاده ابریشم با نیازمندی‌های کنونی چین در زمینه ارتباط و دسترسی به بازارهای بین‌المللی در قالب ابتکار کمربند و راه موجب شده تا همکاری و ارتباط ایران و چین بار دیگر و پس از حدود پنج قرن مجدداً از اهمیت چشمگیری برای دو طرف برخوردار شود.

نهایتاً نوع نگرش همسان به هنجارهای اجتماعی و انسانی همچون اهمیت اخلاق، جایگاه خانواده در ساختار اجتماعی، برتری و اولویت منافع جمعی بر منافع فرد، تأکید بر پیوندهای اجتماعی و نظم، کار و فعالیت به‌عنوان یک ارزش، قناعت و صرفه جویی، اعتماد به نفس، توکل به سرنوشت (خصوصاً در شینتو) و نهایتاً عشق به میهن و سرزمین دیگر اجزای استعاری و هنجاری هستند که مبین شباهت و همسانی نظام ارزشی ایران و شرق محسوب می‌شوند (Roushan Chashm et al., 2018, p.131; Shayegan, 2000, p.223). تنها در یک نمونه شباهت درون‌نمایه اخلاقی حماسه ملی ایران یعنی شاهنامه فردوسی و محتوای حماسه مشهور چینی، فنگ شن ینی نشان دهنده همسویی استعاره‌ها و اجزای شکل دهنده به اسطوره‌ها بین دو کشور است (Ramezan Mahi, 2005).

۵. ارزیابی سیاست نگاه به شرق

سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران نه یک راهبرد بلکه رویکرد و سیاستی واکنشی محسوب می‌شود. این انگاره دست کم در حال حاضر فاقد ویژگی‌های لازم برای طرح به‌عنوان یک راهبرد سیاست خارجی است. با توجه به بررسی چهار لایه علل گرایش ایران به شرق در سیاست خارجی می‌توان دلایل عدم توفیق این سیاست در نیل به جایگاه هژمونیک در ساحت راهبردی ایران را در چند محور مورد بررسی قرار داد:

در نگاه اول، مفهوم شرق در محافل سیاسی و دانشگاهی ایران مفهومی مناقشه‌آمیز محسوب می‌شود؛ شرق مجموعه‌ای چندگانه و متشکل از کشورهایی با اهداف متفاوت، آمال راهبردی گاه متداخل، نظام‌های دوستی و دشمنی متمایز و نهایتاً رقابت بر سر تعریف نظم در ابعاد منطقه‌ای و جهانی است. یکپارچه دیدن



شرق و مساعی در راستای تعریف یک سیاست واحد در قبال مجموعه کشورهای یاد شده مانع از بروز و ظهور یک راهبرد منسجم و قابل اتکا در این زمینه شده است. افزون بر این چالش نظری، این دیدگاه یکپارچه که عمدتاً از لایه سوم ناشی شده و دست‌اندرکار تعریف شرق به‌مثابه یک موجودیت و کلیت سیاسی و اقتصادی (معلول وضعیت اضطرار) است موجب شده تا ایران و هر یک از کشورهای شرقی دیدگاه و درک متفاوتی از رویه‌ها، روندها و رخدادها داشته باشند. تنها در یک نمونه می‌توان به انتظارات ایران از این کشورها در مناقشه خود با ایالات متحده و یا نوع کنشگری آنان در مسئله تحریم‌های ایران اشاره کرد که با واقعیت سیاست‌های عملی از سوی این کشورها و مشخصاً چین و روسیه تمایزاتی دارد.

در سطح کلان‌تر، شناخت ناکافی از ماهیت و پویایی نظم بین‌الملل موجب شده تا استفاده از توان و ظرفیت شرق برای ایجاد موازنه در برابر غرب به یکی از اصلی‌ترین پایه‌های استدلالی سیاست نگاه به شرق بدل شود. این در حالی است که ظهور شرق به‌عنوان یک قطب قدرت در برابر غرب دست‌کم بر اساس معادلات کنونی نظام بین‌الملل الزاماً به‌معنای ایجاد بلوک متفاوت و متخاصم نیست. در واقع، این نگاه آرمانی برآمده از لایه سوم که مناسبات بین‌المللی را از دیدگاه گفتمان و جهان‌بینی خود نگریسته و همچنین انگاره جایگاه متمایز ایران در منطقه که برآمده از لایه چهارم علت‌هاست، موجب شده تا واقعیت‌هایی همچون همکاری شرق و غرب در امور مربوط به نظم جهانی و امکان کنشگری رقبای ایران در استفاده از ظرفیت‌های شرق نادیده گرفته شود (Hunter, 2010, p.142).

از منظر راهبردی چنان‌که گفته شد این سیاست نه به‌عنوان یک راهبرد مستقل و مستدل بلکه در واکنش به مجموعه‌ای از فشارهای بیرونی و همچنین پاسخ به مطالبات سیاستی داخلی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی اتخاذ شد. لزوم تعریف یک سیاست خارجی مستقل و مجزا از رویه پیشین (در قالب فاصله گرفتن از غرب و ایالات متحده) به‌منظور تأمین نیازهای متنوع سال‌های پس از انقلاب و جنگ هشت ساله و همچنین تلاش برای ایجاد فضای تنفس در نتیجه تحریم‌های ایالات متحده، اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل مجوعاً جمهوری اسلامی را به طرح این انگاره در سیاست خارجی رهنمون شدند. حتی در سال ۲۰۰۹ و اعلام رسمی این سیاست نیز به‌نظر می‌رسد که نگاه به شرق نه به‌عنوان کلان راهبرد ایران در حوزه روابط خارجی بلکه به‌مثابه یک واکنش به رقبای سیاسی داخلی و نمایش نوعی بی‌تفاوتی به غرب مطرح شد (Arghavani, 2016, p.31).

درنهایت ضعف در تعیین دامنه و ابعاد سیاست نگاه به شرق دیگر عاملی است که مانع از طرح نگاه به شرق به شکل یک راهبرد در سیاست خارجی شده است. نگاهی گذرا به علل لایه سوم گرایش به شرق در

جمهوری اسلامی ایران موجب بروز نوعی اغتشاش نظری و به تبع آن بی‌نظمی در تعیین حدود و ابعاد سیاست نگاه به شرق می‌شود. در واقع سه تعریف ارائه شده از سیاست نگاه به شرق از همین تداخل علی‌ناشی می‌شوند. مجموعه دلایل ناظر بر گفتمان، ایدئولوژی و جهان بینی در برخورد با علل لایه دوم که ناشی از محدودیت‌های سیستمی هستند، موجب می‌شود تا نگاه به شرق گستره وسیعی از کشورها از شرق آسیا تا آمریکای لاتین را شامل شود. بر این اساس شرق هم می‌تواند حوزه‌ای ایدئولوژیک و در برابر ایالات متحده و غرب باشد، هم می‌تواند حوزه‌ای جغرافیایی ناظر بر شرق ایران و شرق آسیا باشد و هم فراتر از آن با استناد به علل لایه چهارم ممکن است به‌عنوان حوزه‌ای تمدنی برای کنشگری بهینه در زمینه اتحاد و ائتلاف تعریف شود. تداخل این تعاریف و برداشتها در نهایت ارائه یک راهبرد منسجم در زمینه نحوه رویارویی با شرق و تدوین سیاست یا راهبرد نگاه به شرق را با دشواری همراه می‌سازد.

نهایتاً نگاه به شرق با استناد به علل برآمده از لایه‌های دوم و سوم تداعی کننده راهبرد نیروی سوم در سیاست خارجی است که بنا به ملاحظات و تجارب تاریخی به ندرت توانسته ضامن منافع ملی ایران باشد. نگاه به شرق در این معنا تلاشی در جهت یافتن متحدان گفتمانی و همچنین تلاشی برای کاستن از فشار غرب است (Arghavani, 2016, p.32). نگاه به شرق چنان‌که گفته شد نوعاً در شرایط انسداد دیپلماتیک و بروز بحران در روابط ایران و غرب و در شرایط فشارهای ساختاری مورد توجه و اقبال قرار می‌گیرد و همین امر این سیاست را نه به‌مثابه بنیانی برای توازن بلکه به‌عنوان تلاشی در راستای برکنار ماندن از فشار غرب بازنمایی می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی کلی سیاست نگاه به شرق از منظر تحلیل لایه‌ای علت‌ها نشان‌دهنده وجود مجموعه‌ای از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تداوم این سیاست در ایران است. عوامل مورد بحث به‌طور خلاصه که در جدول (۳) آمده است، عبارتند از:

سیاست و فرهنگ یکدیگر را تقویت می‌کنند. از این رو فقدان راهبردهای ائتلاف و همگرایی در سیاست خارجی ج.ا.ا. با کشورهای حوزه تمدنی شرق، به دلیل باقی ماندن در «سطح لایه‌های اول و دوم یعنی لیتانی و سیستمی» است، این امر خود به تشدید بی‌ثباتی و به تبع آن تهدید ناشی از همکاری ایران با کشورهای حوزه تمدنی شرق به‌مثابه گرانگه مواجهه با غرب و تهدیدها و آسیب‌های ناشی از تحریم‌ها در حوزه‌های مختلف است. زیرا در نتیجه این نگاه است که «روابط شکننده در راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه تمدنی شرق»؛ تداوم یافته است.

جدول (۳): عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تداوم سیاست نگاه به شرق از منظر تحلیل لایه‌ای علت‌ها

مقوله‌ها	سطح لایه
۱. سند چشم‌انداز ۱۴۰۴،	لیتانی
۲. سند همکاری جامع ۲۵ ساله ایران و چین	
۳. عضویت در پیمان شانگهای	
۴. احداث راهگذر شمال-جنوب	
۵. مواضع رهبران و تصمیم‌گیران تهران و کشورهای شرقی ناظر بر بسط روابط دو چندجانبه	
۶. شرق در صدر تعاملات اقتصادی و بازرگانی ایران طی دو دهه گذشته	
۷. حمایت سیاسی و دیپلماتیک از ایران در پرونده‌ها و مجامع بین‌المللی	
۸. ناهمسویی برخی موضوعات و ابتکارهای راهبردی تهران و شرق (مشخصاً چین)	
۱. معضل اعتماد به غرب (سابقه تروماتیک در مواجهه با غرب)	سیستمی
۲. تحریم‌های ایالات متحده، اروپا و نهادهای بین‌المللی (با محوریت غرب)	
۳. خیزش آسیا به‌عنوان قطب نوظهور قدرت در نظام بین‌الملل	
۴. تک‌بُعدی بودن سیاست خارجی ج.ا.ا در نگاه به شرق	
۵. تمرکز بر ابتکارهای عمدتاً مقطعی در مواجهه با فشارها مبتنی بر رویکرد واکنشی و ابزاری به سیاست نگاه به شرق (نه کنشگری فعال و بلندمدت)	
۶. ناهمسویی میان برخی راهبردهای سیاست خارجی ج.ا.ا در نظام بین‌الملل با خط مشی و سیاست خارجی کشورهای حوزه شرق	
۱. همسویی و همپوشانی جهان‌بینی‌های فرهنگی در بین چهار حوزه تمدنی آسیا	گفتمان و جهان‌بینی
۲. عدم تعهد	
۳. الزامات هویتی ایران به‌مثابه یک دولت انقلابی	
۴. ایالات متحده به‌مثابه دگر هویتی-سیاسی مشترک	
۵. ایران هراسی و اسلام هراسی	
۱. مفهوم شرق به‌عنوان یک جغرافیای هویتی	اسطوره و استعاره
۲. جاده ابریشم	
۳. جهان سوم	
۴. تعریف خود به‌عنوان تمدن برتر	
۵. نگرش همسان به هنجارهای اجتماعی و انسانی	



در واقع میان نقطه ایده‌آل جمهوری اسلامی از پیگیری سیاست نگاه به شرق و وضعیت موجود فاصله قابل

توجهی وجود دارد. از نقطه نظر آینده‌نگاری راهبردی این امر ریشه در پایین‌ترین سطوح یعنی «لایه‌های جهان‌بینی و استعاره‌ها و اسطوره‌ها» دارد. به این معنا که وجود منابعی برای تمایز و عدم اشتراک در این لایه‌ها در کنار فقدان دستیابی به فهم مشترک پیرامون مسائل، چالش‌ها و فرصت‌ها و به‌ویژه ضعف در بسترسازی هویتی و فرهنگی مشترک موجب شده تا نگاه به شرق بیش از آن‌که یک راهبرد مستقل در ساحت سیاست خارجی ایران باشد، از واکنش نسبت به فشارهای سیستمی و همچنین تلاش در جهت پیشبرد دستور کارهای مشخص در زمینه روابط خارجی فراتر نرود.

Reference:

- Adami, A. (2010). The Strategy Toward East in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: Viewpoints, Settings and Opportunities, *Quarterly Journal of Political Studies*, 2(7), 97-126. (in Persian)
- Akbari, A. & Pooresmaeili, N. (2020). *Foresight in international relations*, Tehran International studies and Research Institute Publication. (in Persian)
- Arghavani, F. (2016). Iran-China Relations under Ahmadinejad: The Look to East Policy and Structural Effects, *Journal of International Relations Studies*, 8(32), 9-41. (in Persian)
- Azish, M. (2021). The West's bad faith, Iran's Look to the East, Irna, Available in: <https://www.irna.ir/news/84479985>. (in Persian)
- Azizi, H. (2018). Iran and the Eurasian Transport Initiatives: Short-term Challenges, Long-term Opportunities, *Caucasus International*, 8(2), 123-135.
- Bairamlou, B. (2021). *Chinese perspective on the Iran-China 25-year comprehensive strategic partnership agreement*, Tehran: International studies and Research Institute Publication. (in Persian)
- Baofeng, S. (2021). *The new era of joint cultural exchange between the people of chinese and iranian people*, in: Bakhshali. B., "Chinese Perspective on the Iran-China 25-Year Comprehensive Strategic Partnership Agreement", Tehran International studies and Research Institute Publication. (in Persian)
- Ebrahimi, M.; Navakhti Moghaddam A. & Osuli, G. (2021). The determinative factors of Iran's relation with the central asian republic from political economy perspective (Case study: Turkmenistan and Tajikistan), *Central Eurasia Studies*, 13(2), 344-325.
- Ghafouri, M. (2009). China's policy in the persian gulf, *Middle East Policy*, XVI(2), 80-92. (in Persian)
- Gold, D. (2009). The rise of nuclear Iran: How Tehran defies the west, *Washington DC*, Regnery.
- Heiran-nia, J. (2022). The enduring – and growing – strength of Iran's look to the east foreign policy, *Manaram Magazine*, Available in: <https://manaramagazine.org/2022/02/the-enduring-and-growing-strength-of-irans-look-to-the-east-foreign-policy/>.
- Hunter, S. T. (2010). *Iran's foreign policy in the post –soviet era*, California and London: Prager.
- Inayatullah, S. (2007). *Questioning the future: methods and tools for organizational and*

- social transformation*, Taipei: Tamkang University Press.
- Inayatullah, S. (2008). *The causal layered analysis: an integrative and transformative theory and method*, in: Theodore J Gordon and Jerome C. Glenn, *Futures Research Methodology*, Maastricht: United Nation University Press.
- Iran press. (2021). Maj. Gen Bagheri's Visit to Moscow, Available in: <https://iranpress.com/content/49049/maj-gen-bagheri-visit-moscow>. (in Persian)
- Irna. (2022). Presence in SCO Enhancing Iran's Look to East Policy, Available in: <https://en.irna.ir/news/84472848/Presence-in-SCO-enhancing-Iran-s-Look-to-East-Policy>. (in Persian)
- Isna. (2022). Economic Look to Central Asia, Political Engagement with West Asia, Available in: <https://www.isna.ir/news/0006200527/>. (in Persian)
- Izewicz, P. (2017). Iran's Ballistic Missile Programme: Its Status and the Way Forward, *Non-Proliferation Papers*, 57.
- Javdani Moghaddam, M. (2019). Rethinking on the backgrounds and roots of iranophobia discourse in international relations, *Semiannual Scientific Journal of Islamic Political Thought*, 5(2), 89-107. (in Persian)
- Jiangtao, S. (2022). China stands with Iran on nuclear deal after talks paused amid Russia's conflict with West, *South China Morning Post*, Available in: <https://www.scmp.com/news/3170696/>.
- Keyvan Hosseini, A. A. (2013). The effectiveness of the issue of human rights violations in the relations between Europe and China, *Foreign Relations Quarterly*, 5(2): 37-61. (in Persian)
- Khamenei, S. A. (2018) a. Public Speech", Available in: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=40714> (in Persian)
- Khamenei, S. A. (2018) b. Public Speech, Available in <https://www.leader.ir/fa/speech/20596/www.leader.ir> (in Persian)
- Khanabadi, S. (2020). Looking to the East; the Basis of Iran's Diplomacy in Asia, Irna, Available in: <https://www.irna.ir/news/84025611/> (in Persian)
- Kissinger, H. (2014). *World order: Reflections on the character of nations and the course of history*, New York: Penguin Books Limited.
- Leverett, F. & Leverett. H. M. (2014). *Going to Tehran: Why the United States must come to the terms with Islamic Republic of Iran*, Metropolitan Press.
- Mashreq. (2018). Why did look to the east become Iran's strategic policy? Available in: <https://www.mashreqhnews.ir/news/834100/> (in Persian)
- McDougall, D. (2016). *Asia pacific in world politics*, Lynne Rienner Publishers.
- Mirtorabi, S. & Yardizadeh, M. (2019). International sanctions and eastward orientation in Iran's foreign relations 1989-2013, *Political and International Research Quarterly*, 39(2), 19-39. (in Persian)
- Mottaki, M. (2009). Iran's Foreign Policy under President Ahmadinejad, *Discourse: An Iranian Quarterly*, (Winter).
- Mousavian, S. H. (2014). *Iran and the United States: An insider's view on the failed past and the road to peace*, Bloomsbury Publication.
- Nasri, R. (2022). China has taken a strong position not only about Iranian three islands, but also about missiles, *Etemad newspaper*, Available in: <https://www.etemadonline.com/9/586667/>. (in Persian)



- Pahlavi, P. (2022). The Origins and foundations of Iran's look east policy, Australian Institute of International Affairs, Available in: <https://www.internationalaffairs.org.au/australianoutlook/the-origins-and-foundations-of-irans-look-east-policy/>.
- Picco, G. (1999). *Man without a gun: One diplomat's secret struggle to free the hostages, fight terrorism, and end a war*, New York: Crown publisher.
- Ramezan Mahi, Y. (2005). A Survey on common myths and legends of Iran and ancient China, *Honarnameh Quarterly*, 26(1): 5-29. (in Persian)
- Roushan Chashm, H.; Deanat M. & Khani, A. (2018). Explaining the status of culture in Iran-China relations, *Political Studies Quarterly*, 10(38), 121-144. (in Persian)
- Sahakyan, M. D. (2021). Iran's Look to East Policy: Pivot Towards China and Eurasian Economic Union. International Institute for Peace.
- Saleh, A. (2022). Iran and the 'Asianisation' of world politics, Available in: <https://www.eastasiaforum.org/2022/12/17/>.
- Sanaei, M. & Karami, J. (2021). Iran's eastern policy: potential and challenges, *Russia in Global Affairs*, 19(3): 25-49.
- Sayadi, H. & Sanaei, A. (2019). The place of looking to the east discourse in changing Iran's foreign policy approach with an emphasis on Russia's geopolitical genome, *Central Eurasia Studies*, 12(1): 135-115. (in Persian)
- Sariolghalam, M. (2006). *Islamic republic of Iran's foreign policy: theoretical review and coalition paradigm*, Tehran: Center for Strategic Research. (in Persian)
- Sazmand, B. (2019). Look east policy: Regional policy of Iran towards countries located in the sphere of the Iranian civilization, *Journal of Iran and Central Eurasia Studies*, 2(1): 93-107.
- Shafiee, N. & Sadeghi, Z. (2011). Iran's choices in foreign relations based on look east policy, *Strategy Quarterly*, 2(22): 309-337. (in Persian)
- Shariatinia, M. (2013). Iran-China relations determinant factors, *Foreign Relations Quarterly*, 14(2): 179-210. (in Persian)
- Shayegan, D. (2000). *Asia facing the west*, Tehran: Amirkabir Publication, 3th edition. (in Persian)
- Shoori, M. & Keramatinia, R. (2020). *International north-south transport corridor*, Tehran International studies and Research Institute Publication. (in Persian)
- Ta'adol, (2022). Business analysis in a decade, Available in: <http://www.taadolnewspaper.ir/104/188517/>. (in Persian)
- Taheri, E. (2022). Network building strategy and position of I.R.I in the foreign policy of India in Eurasia, *Political and International Research Quarterly*, 4(49), 21-37. (in Persian)
- Talebian, S. & Talebian, H. (2018). The application of causal layered analysis to understand the present conditions and possible futures of media and politics in Iran, *European Journal of Futures Research*, 6(8), 1-15.
- Yadegarian, F. (2019). Iran's countermeasures to US withdrawal from JCPOA and the trigger mechanism, *Iranian Review for UN Studies*, 2(2), 89-110.